

اشعاری جالب از سهراب

۱۴ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۵۰

سهراب سپهری که به یکی از شاعران نامی ایرانی است که طبعی لطیف و روحی نرم داشت.

زندگی خالی نیست

مهربانی هستتسیب هستتایمان هست

آری تا شقایق هست زندگی باید کرد سهراب سپهری

روزی خواهم آمد و پیامی خواهم آورد...

خواهم آمد گل یاسی به گدا خواهم داد

زن زیبای جذامی را گوشواری دیگر خواهم بخشید

کور را خواهم گفتم : چه تماشا دارد باغ ...

هر چه دشنام از لب خواهم برچید

هر چه دیوار از جا خواهم برکند

رهزنان را خواهم گفت : کاروانی آمد بارش لبخند

ابر را پاره خواهم کرد

من گره خواهم زد چشمان را با خورشید ، دل ها را با عشق ، سایه ها را با آب ، شاخه ها را با باد

و به هم خواهم پیوسته خواب کودک را با زمزمه زنجره ها

بادبادک ها به هوا خواهم برد

گلدان ها آب خواهم داد ...

خواهم آمد ، سر هر دیواری میخکی خواهم کاشت

پای هر پنجره ای شعری خواهم خواند

هر کلاغی را کاجی خواهم داد

مار را خواهم گفت : چه شکوهی دارد غوک

آشتی خواهم داد
آشنا خواهم کرد
راه خواهم رفت
نور خواهم خورد
دوست خواهم داشت

دنگ..دنگ..

ساعت گیج زمان در شب عمر
می زند پی در پی زنگ.
زهر این فکر که این دم گذر است
می شود نقش به دیوار رگ هستی من...
لحظه ها می گذرد
آنچه بگذشت ، نمی آید باز
قصه ای هست که هرگز دیگر
نتواند شد آغاز...

هر که با مرغ هوا دوست شود
خوابش آرام ترین خواب جهان خواهد بود

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۱۳۷۳/سهراب-جالب-اشعار>